

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

عزیز نعیمی

۱۳ جنوری ۲۰۱۵

"از کوزه همان تراود که در اوست"

سر انجام بعد از گذشتن ۱۰۵ روز، دولت پوشالی و مستعمراتی کابل مسما به «حکومت وحدت ملی» قادر شد، تنی چند از خاینان به کشور و قاتلان مردم را به مثابه «کاندید وزیران» معرفی بدارد. در این مختصر به هیچ وجه قصد ندارم تا بر تمام اعضای جمع میهنفروشان خود فروش مکث نمایم، زیرا با شناختی که من از مردم خود با زندگی در بطن آنها دارم، معرفی اشخاص نامبرده، «تحصیل حاصل» خواهد بود، آنهم در سطحی که اگر انصاف را در نظر بگیریم هیچ یک از ما نمی تواند ادعا نماید که شناخت ما از افراد معرفی شده، همان عمق شناخت مردم از آنها را دارد، بلگه غرض از نوشتن این مختصر، ضمن جلب توجه آن عده از افرادی که از دور دستی در آتش داشتند و زیر نام های کلان، می خواستند حمایت شان از عبدالله عبدالله را، حمایت از دموکراسی و حقوق دموکراتیک، معرفی بدارند؛ پاسخ آنهایی را نیز بدهم که اینجا و آنجا من و آن عده از نویسندگان دیگری را که چون این قلم در افشای باند های غنی و عبدالله قلم می زدیم و می زنیم، متهم به پیشداوری و حتا بهتان نموده، ارتباط شورای نظار با میهنفروشان پرچمی و رابطه غنی با خلقیان جنایتکار را کتمان می نمودند.

طیف نویسندگانی از سنخ من، که از همان نخستین روز های «انتخابات استعماری» و آغاز فعالیت های آن، با صراحت اعلام داشتیم، گذشته از آن که اصولاً در یک کشور اشغال شده و مستعمره که تمام مقدرات آن توسط، استعمار تعیین می گردد، رفتن پای مضحکه هائی زیر نام انتخابات و یا امثال آن، هیچ معنا و مفهومی به جز به رسمیت شناختن حاکمیت مستعمراتی و سجده بر آستان استعمار ندارد، ترکیب نیروهائی که خود را کاندید احراز قدرت نموده اند، نیز پیام شومی است به آدرس مردم افغانستان، که موفقیت چنین گروپها و افراد در انتخابات، دوام مصیبت های گذشته به خصوص ۴ دهه اخیر و تعمیق جنایتبار و خاینانه آن می باشد؛ مبرهن است که اتخاذ چنین موضعی نمی توانست بدون حملات متقابل نوکر های امپریالیزم و ارتجاع باقی بماند. همین هم بود که آنها با تمام قواء می کوشیدند تا ما را متهم به پیشداوری، قضاوت عجولانه و خصمانه، زنده ساختن دشمنی های گذشته نمایند و بدان وسیله می کوشیدند تا از ادامه بحث سالم با ما خود دداری نمایند.

آنها می کوشیدند در عوض توجه به هویت استخباراتی افراد کاندید شده از دو جانب و پیوند های آنها با دشمنان مردم افغانستان، مغرضانه با یکجانبه نگری ضد علمی، گناه آبی و قابیل را بر احمد شاه ابدالی و آنهایی بیندازند که به علاوه ایجاد افغانستان، در طی سه قرن، برای حفظ و جب به جب کشور، خلقهائی که آنها بر آن متکی بودند، دریا های خون نثار کرده و اکنون نیز از ایثار آن دریغ نمی ورزند.

وقتی ما در آن زمان می نوشتیم که شورای نظار یعنی نام اسلامی شده «حزب دموکراتیک خلق افغانستان- جناح پرچم»، یعنی «نیروی بدیل روسها برای آینده» آنها چنین تعلق رانکار نموده، به جای جواب به آدرس ما دشنام فرستاده، ما را با آن که خود از همه خوبتر می دانستند، که حرف و استدلال شان دروغ است، متهم به حمایت از این و یا آن قوم می نمودند.

مگر اکنون که جمع وطنفروشان اعلام گشته و در پیشانی لیست به اصطلاح وزراء نامهای کریمی و علمی دو تن از اعضای سابقه دار «حزب دموکراتیک خلق جناب های خلق و پرچم» قرار دارد و این اشخاص وظیفه دارند تا در کنار سایر همقطاران میهنفروش شان امنیت را در افغانستان تأمین نمایند، آیا چنین انتخابی کدام معنای دیگری به غیر از ادامه جنایت و کشت و کشتار آنها تحت حاکمیت تمام نیروهای وابسته به روس و امریکا می تواند داشته باشد؟؟ اگر مفهوم دیگری چنین انتخابی می تواند داشته باشد، امیدوارم آنهایی که در دفاع از انتخابات پوشالی قلم زده اند و آن را اوج تبارز روح دموکراتیک مردم دانسته اند، قدم رنجه نموده آن مفهوم را برای ما نیز بنویسند، در غیر آن اگر چنان اشخاصی کمترین مقداری از شرافت و وجدان هم داشته باشند، جای دارد که با صراحت از موضعگیری ضد انقلابی و خاینانه دیروز خویش انتقاد نموده، به تعداد کلماتی که در هر مقاله نشخوار نموده بودند، از مردم معذرت بخواهند.

مشاهده نام علمی و کریمی در کابینه «غنی-عبدالله» به شکلی می تواند شباهت هائی به نخستین کابینه رئیس جمهور داوود بعد از کودتای ۲۶ سرطان داشته باشد. در آنجا هم خلقی ها و پرچمی ها، یکی در اردوی داوودی و دیگری در پولیس آن، صاحب چنان نفوذی گردیدند که دیدیم بعد از سپری شدن، ۵ سال با کشتن داوود و خانواده اش، خاک افغانستان را به هوا بلند نمودند.

آیا اینک که یک خلقی دو آتشه به مثابه وزیر دفاع و یک پرچمی دو آتشه به حیث وزیر داخله مقرر می گردد، آیا باز هم همان کشتار ها مد نظر است و یا اینک، آخرین بخش درامه خونین در افغانستان یعنی «تجزیه کشور» در دستور کار قرار گرفته است که چنین مسؤلیتی به دوش این دو تن گذاشته شده است؟؟

همه دیدیم که به دنبال تقرر «فیض محمد» به حیث وزیر داخله، در کمترین فاصله زمانی تمام ولسوالی ها از طرف پرچمی ها اشغال شدند، به همین قسم به اساس نفوذ خلقی ها در اردو، تمام قطعات رزمی اردو در اختیار آنها قرار گرفت، در نتیجه وقتی فاجعه خونین ثور به وقوع پیوست، تقریباً نوکران روس از همان اولین شب، حاکمیت شان را بر افغانستان رسمیت بخشیدند، آیا اینک که علمی وزیر داخله معرفی شده است، باز هم پرچمی ولسوال مقرر می گردند، تا فضای تجزیه و تقطیع کشور را فراهم بسازند؟؟

نکته دیگری که ضمن اعلام کابینه هم سطح با آن اعلام گردیده است، مسأله «امنیت ملی» و «افغانستان بانک» می باشد. غنی و عبدالله در جریان اعلام افراد برای این دو چوکی، رؤسای پیشنهادی شان را به نام شخصیت های «مستقل» معرفی نمودند. بدان معنا که گویا دو نفر مورد نظر، هیچ ارتباطی به غنی و عبدالله ندارند. اگر این ادعای دروغین مورد قبول قرار گیرد، آیا نفس پذیرش این ادعا به معنای آن نیست که دولت دست نشانده نه اجازه دارد تا در قسمت امنیت کشور، اقدامی بورزد و نه هم اجازه دارد تا مناسبات پولی کشور را کنترل نماید. باز هم اگر چنین است، آیا در نفس معرفی هر دو فرد، جاسوس بودن و تعلق آنها به امریکا، اعلام نگریده است؟؟

همان طوری که قبلاً نیز تذکر دادم، اشاره به نکات فوق به معنای تأیید بقیه افراد نیست، چه در صورتی که با اندکی تأمل به لیست نظرانداخته شود، به روشنی دیده می شود که این کابینه هم چیزی بیشتر از کابینه جواسیس قبلی نیست و نمی تواند هم باشد، زیرا در یک کشور اشغال شده و منافذ استعمار، فقط افرادی برگزیده می شوند که نوکر استعمار و حافظ منافع آن باشند. در واقع از کوزه همان تراود که در اوست.